



**دکتر سید موسی صمیمی**

**Dr. Said Musa Samimy**

**۱۲ ام جولای سال ۲۰۱۵**

## **دمیدن "صبح کاذب" در سرزمین یونان**

### **مبارزه نابرابر "داود علیه جالوت"**

#### **۱. پیشگفتار:**

سران ۱۹ کشور عضو حوزه یورو به روزهای شنبه و یکشنبه (۱۱ ام و ۱۲ ام جو لای) در بروکسل، مرکز کمیسیون اتحادیه اروپا برای چیره شدن بر بحران حاکم در یونان ۱۷ ساعت به گفتگو نشستند. پی آمد این نشست عالی برای یونان پرسش زا و جنجال بر انگیز می باشد. در این جستار گذرا نکات عمده "توافقات بروکسل" در پیوند با تیوری های "نو لیبرالیسم" مورد بررسی انتقادی قرار می گردند.

#### **چکیده مطالب:**

پی آمد دراز ترین نشست عالی سران حوزه یورو در مورد اتخاذ تصمیم "سیاست اقتصادی ریاضتی" و پیاده کردن هرچه زودتر آن در یونان، در بهترین صورت دارویی است که به دنبال تشخیص نارسا تنها برای مدتی کوتاهی درد را تسکین کرده، اما به دلیل عدم تشخیص درست، نمی تواند بیمار زمینگیر یونان، این کشور پیرامونی حوزه یورو را در مان قطعی کند.

#### **۲. یونان در بند تضاد های چند بعدی درون مرزی و بیرون مرزی**

در اسطوره "جنگ داود علیه جالوت" داستان باور نکردنی ای رقم زده شده است، که با دیگرگونی اندکی چنین خوانده می شود:

جالوت، پهلوان غول پیکر در کارزار رزمی رجز خوانی کرده و دشمنان را به مبارزه می طلبد. داود کوچک اندام - از جبهه مقابل - این چالش را توهین و تهدید تلقی کرده و با فلاخن در مقابل جالوت که با "خود و زره" آراسته می باشد، وارد مصاف تاریخی می گردد. قبل از آن که جالوت بجنبد، داود با فلاخن سنگی بر پیشانی او زده و "پهلوان شهره عالم" را از پا درمی آورد.

الکسی سپیراس، نخست وزیر یونان هم - با تفاوت های زمانی کم و بیش - مانند "اسطوره داود" با سران کشور های حوزه یورو به مثابه جالوت ( ۱۸ کشور دیگر عضو در مقابل او) به تنهایی وارد کارزار شد. ولی برخلاف الگوی تاریخی، سپیراس به مثابه داود سده بیست و یکم که تنها با "نسخه بدیل کینزیانیسم غیر قابل پذیرش" آراسته بود، پس از هفده ساعت گفتگو داروی تلخ "مصالحه" را پذیرفت. نخست وزیر یونان مواضع خودش را در گفت و گو های نشست عالی حوزه یورو "مبارزه عادلانه" خواند. نخست وزیر چپ گرای یونان که در رویارویی با هم طرازان محافظه کار و سو سیال دموکرات اش در "چالش مرگ و زندگی" قرار گرفته بود، از مواضع اصولی خویش عقب نشینی کرد، تا کشور "خفه شده" اش بتواند -اگر زود گذر هم باشد- "نفس راحتی" بکشد.

در واقع یونان امروز از نگاه اقتصادی "زمین گیر" شده است:

- بدهی یونان ۳۲۰ میلیارد یورو،
- "کمک های مالی" اروپا به آن کشور ۲۴۰ میلیارد یورو،
- نسبت بدهی با تولید ناخالص اجتماعی یونان ۱۷۷ در صد،
- میزان نزول تولید ناخالص اجتماعی آن کشور از سال ۲۰۱۰ به این سو ۲۴ در صد،
- میزان بیکاری عمومی ۲۶ در صد و در بین جوانان در حدود ۵۰ درصد (۱)

علل اصلی این ساختار کژ و بد ریخت اقتصادی از یک طرف در پیاده کردن «نسخه نو لیبرالیسم» نهفته است، که یونان از بحران سال ۲۰۰۸ به این سو به پیاده کردن آن مکلف گردیده است. ولی علت عمده دیگر این بحران اقتصادی در دو تعامل دیگر نهفته است:

- نخست در ارقام مسخ شده اقتصادی در زمان عضویت یونان و
- دوم در نظام "گماشته پروری و حامی پذیری" احزاب جا افتاده یونان، که در جهت تامین منافع قشر الیگارشی فساد پیشه تکوین یافته است.

با پیروی از آیین "نو لیبرالیسم" -در توافقات بروکسل- در از ای پیاده کردن "سیاست ریاضتی" که بر یونان تحمیل گردیده است، سران حوزه یورو تعهد می سپارند که برای مدت سه سال حدود ۸۷ میلیارد یورو به شکل وام در اختیار یونان قرار می دهند. در مقابل یونان باید از جمله در این سه بخش اصلاحات بنیادی را پیاده کند:

- اصلاحات در امور چگونگی استخدام به نفع کار فرما،
- دیگر گونی در امور بازنشستگی و درآمد بازنشستگی،
- افزایش مالیات بر فروش و در اخیر
- خصوصی سازی تصدی های دولتی

### ۳. سیاست اغواگرانه نو لیبرالیسم در بوته انتقاد

طوری که دیده می شود پیاده کردن این تدابیر در قدم اول به ضرر اقشار پایین جامعه و مستمندان صورت می گیرد. به طور مثال افزایش ساعات کار و یا فراهم ساختن شرایط برای کار فرمایان تا بتوانند بدون قید و شرط قانونی به آسانی کارگران را از کار بیرون کنند، تنها به نفع کارفرمایان بوده و هزینه آن را کارگران می پردازند.

همچنان تدابیر افزایش مالیات بر فروش، نظر به اصل تمایل متوسط به مصرف، که در بین اقشار پایین بسیار بلند می باشد، از مالیات بر فروش در مرحله اول و بیشتر از اقشار بالایی، قشر نا دار متضرر می گرد. به این ترتیب، طوری که نیویورک تایمز، روزنامه معتبر امریکا گزارش می دهد، تدابیر ریاضتی دامنه فقر حاکم را در یونان بیشتر گسترش می دهد. (3)

در مورد "خصوصی سازی"، در واقع در این جا یک برخورد جزم گرایانه به نحو ی صورت گرفته است که "خصوصی سازی" - بدون قید و شرط - به ذات خود بهتر از مدیریت دولتی تصدی تصور می گردد. بحران مالی سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ بر رد این دگم اقتصادی به روشنی صحنه می گذارد. آیا برای غلبه بر بحران ملی، چندین بانک خصوصی و تصدی های تولیدی در اروپا و امریکا تحت مدیریت و حمایت دولت قرار نگرفتند؟ نظر به این تدابیر ریاضتی، یونان باید تصدی های دولتی را با حجم ۵۰ میلیارد یورو خصوصی ساخته و از این رقم در حدود ۲۸ میلیارد یوروی آن برای پرداخت سود و اقساط وام های یونان بکار برود و پول باقی مانده در خود آن کشور سرمایه گذاری گردد.

نو لیبرالیسم "حاکم در افکار سیاستمداران" به این نظر است که کم کردن بار مالیات بر اغنیا و پایین آوردن هزینه های دولتی از طریق کم ساختن خدمات اجتماعی دولتی، منجر به رشد اقتصادی گردیده و در نتیجه زمینه ساز استخدام و درآمد بیشتر می گردد. به این

ترتیب کشور از بحران جان به سلامت می برد. این "تیوری نو لیبرالیسم" که گویا عرضه تقاضا را خلق می کند، در نفس قانونمندی اقتصاد اغوا گرانه است. برخلاف، با تکیه بر تیوری "نو کینزیانیسم" به آسانی می توان دید، که قدرت خرید بیشتر منجر به تقاضای موثر گردیده و این خود انگیزه برای تولید بیشتر است که پی آمد آن درست استخدام بیشتر و خلق درآمد بیشتر و در آخرین تحلیل رشد بیشتر و رفاه بیشتر اقتصادی می باشد. افزون بر آن سیاست کم کردن خدمات اجتماعی، که اقشار پایین جامعه به آن وابستگی بیشتر دارند، بسیار "ظالمانه و غیر اجتماعی" است.

در اخیر باید افزود، مبالغ که به مثابه وام به یونان داده میشوند - طوری که در چهار سال گذشته دو "بسته کمکی" حوزه یورو برای یونان شهادت میدهند - بیشتر از ۹۰ درصد آن به مثابه "سود و اقساط" وام های گرفته شده، دوباره به نهاد های مالی، بانک ها و بنیاد های بیمه، یعنی به موسسات وام دهنده پرداخت میگردد. در نتیجه برای سرمایه گذاری های درون مرزی یونان که منجر به تحرک چرخ های اقتصادی شود و یا بری تولید خدمات اجتماعی بکار برود، چیزی قابل لمس باقی نمی ماند.

#### ۴. توافقات بروکسل نقض "حاکمیت ملی و دموکراتیک" یونان

حکومت سیریزا در یونان در نخستین برآمد سیاسی در سطح اروپایی نقش تعیین کننده ترویکا (troika) را که متشکل از سه نهاد (صندوق بین المللی پول، بانک مرکزی اروپا و کمیسیون اروپا) می باشد، در مورد تعامل و اصلاحات اقتصادی به چالش کشید. پس از آن پیمانکاران آن کشور، نظر به حساسیت های که در این راستا در یونان شکل گرفته بود، به جای "ترویکا"، اصطلاح "نهاد های سه گانه" را بکار می بردند. ولی اکنون در اعلامیه اخیر بروکسل نقش این ترویکا نه تنها کمتر نگردیده، برخلاف تدوین لایحه های قانونی، پیاده کردن و ارزیابی همه تدابیر اقتصادی و اجتماعی درون مرزی یونان تحت نظارت و مدیریت ترویکا قرار گرفته است. در نتیجه گستره صلاحیت حکومت یونان به پایین ترین مرز ممکن محدود گردیده است، و نقش عملی آن در حد یک "ارگان کمکی" کاهش یافته است. این انتقال صلاحیت از یک حکومت انتخاب شده و دموکراتیک به یک ارگان فرا مرزی با پی آمد های ناشی از آن نقض "حاکمیت ملی" یک کشور مستقل و عضو سازمان ملل می باشد. اگر در گذشته ها ما شاهد **کودتا های نظامی**، به ویژه در کشورهای پیرامونی با این هدف بودیم تا دامنه "رژیم های نا مطلوب" چیده شود، با "خلع صلاحیت حکومت سیریزا" ما امروز بازم به طور آشکار می بینیم که نظر به "الزامات اقتصادی" - طوری که یک بخش مشخص حزب سیریزا هم به این نظر است - یک "**نوع کودتای سفید اقتصادی**" پیاده می گردد. چه خوش گفته سعدی، این شاعر خوش کلام:

"گوسفندی برد این گرگ مزور همه روز - گوسفندان دگر خیره بر او می نگرند" (4)

## ۵. "بد ریختی مادر زاد" تشکل حوزه یورو

تشکیل حوزه یورو به مثابه نیاز مبرم بازیابی سرمایه اروپایی در نطفه در سه بعد با کاستی های فکری همراه می باشد:

➤ تفاوت های نظری در مورد رشد و انکشاف اقتصادی بین کشورهای اروپای مرکزی و اروپای جنوبی حوزه یورو. در حالی که "ثبات اقتصادی توام با کم ترین پایه افزایش قیمت ها" اولویت کشورهای اروپای مرکزی است، کشورهای اروپای جنوبی هواداران هزینه های بیشتر در جهت تکافوی نیازمندی های اجتماعی اند که با اولویت های کشورهای اروپای مرکزی در تضاد قرار می گیرد.

➤ نظر به شاخص اولویت های اهداف اقتصادی، کشورهای اروپای مرکزی با پیروی از اصل "نو لیبرالیسم" پیمانانه هزینه های اجتماعی را محدود ساخته و مالیات بر درآمد اغنیا را کم گردانیده اند، تا تعامل رشد اقتصادی تامین شود. بر خلاف کشورهای اروپای جنوبی حوزه یورو با پیروی از آیین "نو کینزیانیسم" می خواهند تا از طریق افزایش "تقاضای موثر" چرخ های اقتصادی را به حرکت در آورند.

➤ کاستی سوم تشکیل حوزه یورو را می توان بیشتر در تضاد بین دو تیوری در مورد تشکیل حوزه های همکاری اقتصادی دید: تیوری "اتحاد ارزی به مثابه موتور، عامل تحرک" و تیوری "اتحاد اقتصادی که اتحاد ارزی به مثابه تاجگذاری" آن مورد بحث قرار می گیرد. به این ترتیب "تیوری موتور" در رویارویی با تیوری "تاجگذاری" قرار می گیرد. حوزه یورو راهکار اولی را اختیار کرد. این راهکار نظر به گزینش اولویت های مختلف در مورد ساختار اقتصادی و سطح انکشاف نظام سرمایه داری نتوانست تا به مثابه "عامل تحرک"، حوزه یورو را از به سوی ثبات نسبی دراز مدت بکشانند.

## ۶. تفاوت نظر های کشورهای عضو حوزه یورو

در جر و بحث های نشست عالی سران کشورهای عضو حوزه یورو روشن گردید که تفاوت نظر های بنیادی در مورد تدابیر غلبه بر بحران حاکم وجود دارند. کشورهای کوچک عضو حوزه یورو از قبیل لتویا و استونیا با "کمک های سر شار" به یونان مخالفت کرده در این راه از پشتیبانی حکومت اسپانیا برخوردار گردیدند که در انتخابات آینده ترس از ظهور نیروهای مانند سیریزا در خود آن کشور دارد. تعامل این شیوه برخورد با آنجا کشید تا ولف گنگ شوبله، وزیر امور مالی آلمان فدرال موضوع "خروج موقتی" - grexit- یونان را از حوزه یورو مطرح کرد. این راهکار، نظر به هزینه بلند، ماندن یونان در حوزه یورو، از پشتیبانی گروه های

محافظه کار تا حلقه های سیاسی "عوام گرای دست راستی" برخوردار بود. ولی ، از آنجایی که این راهکار در تضاد با نیازمندی های گسترش سرمایه قرار دارد، به زودی "خفه" گردید. حکومت فرانسه در هم سوئی با حکومت ایتالیا در اخیر در جهت "نگه داشتن" یونان در حوزه یورو پیروز گردید، و انگلا مرکل، نخست وزیر آلمان فدرال با وجود مخالفت درون حزبی (سو سیال مسیحی)، ناچار با فرانسوا اولاند، نخست وزیر فرانسه همکاری کرد، در نتیجه راه برای "توافقات بروکسل" هموار گردید. در اخیر باید افزود که تصمیم بروکسل در مورد تدابیر اقتصادی چیره شدن بر بحران در یونان، از بُعد سیاسی-نظامی مهم برخوردار می باشد. یونان به مثابه عضو ناتو، پیمان اتلانتیک شمالی در حال تنش های نظامی غرب با روسیه، نه می تواند از تعاملات اروپایی حذف گردد. خروج یونان از حوزه یورو، این خطر را با خود حمل می کند. از همین نگاه پیام های بارک اوباما، رئیس جمهور ایالات متحد آمریکا به سران کشور های مهم حوزه یورو در جهت حفظ یونان در حوزه یورو از تاثیر گذاری خاص خودش برخوردار بودند.

نشست عالی سران کشور های عضو حوزه یورو، سپیراز را که مانند "داود اسطوره پی" تنها به فلاخن "بدیل نو کینزیا نیسم" " آراسته بود از "آسمان رویا ها" به کره خاکی "واقعیت ها" پایین کشاند، ولی نتوانست نوشدارو ای برای "مردم توهین شده یونان" ارائه دارد. نظر به تشخیص نارسا و سفارش دارویی که به هیچ وجه مفید "بدن نالان یونان" نه می باشد، به مشکل می توان تصور کرد که یونان، این سرزمین باستانی دانش و فرهنگ که روزهای دشواری را سپری می کند، به مثابه یک کشور پیرامونی حوزه یورو از "سر خط رسانه" ها حذف گردد.

## ۷. ندای همبستگی

در تلالویی "صبح صادق"،

شمع می کده خاموش است،

پر پروانه بسته است،

چراغ دهکده کم رنگ است،

ابره های تیره و تار از آسمان نیلوفری سرزمین یونان بدور باد.

## ۸. رویکردها:

[http://www.bbc.com/persian/business/2015/07/150706\\_greece\\_in\\_numbers](http://www.bbc.com/persian/business/2015/07/150706_greece_in_numbers) (۱)

EU Statement, <http://www.bbc.com/news/world-europe-33503955> (۲)

(3)

<http://topics.nytimes.com/top/news/international/countriesandterritories/greece/index.html>

(4) در جای دیگر این شعر چنین آمده است:

"گوسفندی برد این گرگ مزور هر روز --- گوسفندان دگر خیره درو می‌نگرند"